

نگاهی گذرا به جایگاه پند و اندرز در ادبیات فارسی با تأکید بر دیوان پروین اعتصامی

چکیده

در قدیمی‌ترین آثار باقی‌مانده از ایران باستان، پندها و اندرزهایی وجود دارد که تا به امروز در زبان و ادبیات فارسی استمرار داشته است و بسیاری از ادیبان و ناموران ایرانی بدان‌ها روی آورده و از این طریق در جهت نیل به جامعه‌ای اخلاقی تلاش کرده‌اند. قرآن، آخرین کتاب آسمانی هم که سرشار از قصه‌ها و تمثیل‌هایی است برای عبرت گرفتن، آبخشور بسیاری از حکمت‌ها، تمثیل‌ها و پند و اندرزها در زبان فارسی شده و به‌ویژه در آثار شاعران ایرانی بازتاب یافته است.

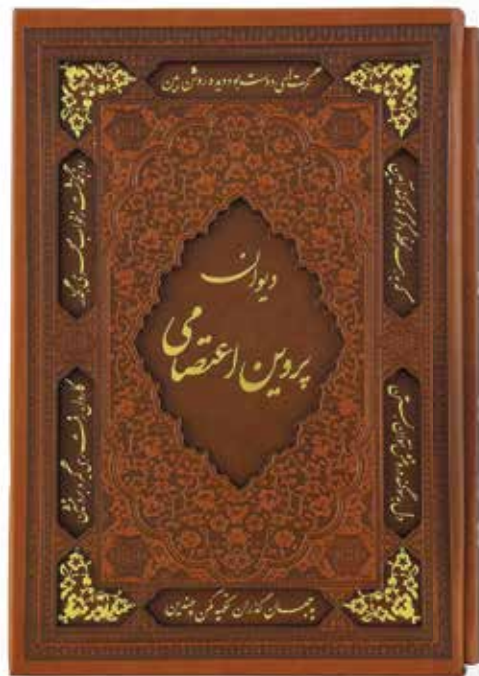
از جمله این شاعران شاعر معاصر پروین اعتصامی است که در اشعار خود به پند و اندرز توجه خاصی نموده است به طوری که در اشعار او توصیف همه پدیده‌ها به نتیجه‌ای عبرت‌آموز و اخلاقی ختم می‌شود. این نوشتار درصدد است ضمن نگاهی گذرا به جایگاه پند و اندرز در ادبیات فارسی، تأملی ویژه بر دیوان پروین اعتصامی داشته باشد؛ شاعری که نام خود را با پند و عبرت‌آموزی تا امروز ماندگار ساخته است.

کلیدواژه‌ها: شعر، پروین، ادبیات، پند، اندرز

مقدمه

ادبیات، گنجاندن مطلب مورد آموزش در قالب تمثیل‌های اخلاقی و پندآموز است تا از این طریق مفاهیم موردنظر بهتر به دانش‌آموزان منتقل شود. دیوان پروین از این جهت جایگاه منحصر به فردی در شعر و ادب فارسی معاصر دارد. او در این شیوه تا آنجا پیش می‌رود که حتی مرگ خودش را دست‌مایه عبرت دیگران و آیندگان می‌کند و می‌کوشد از شعر سنگ مزارش هم به دیگران درس زندگی بدهد. بسیاری از پندهای پروین به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم متأثر یا برگرفته از قرآن و احادیث است. از جمله او نگاهی به آخرت و سرای باقی است و مرتب می‌خواهد به مخاطب شعر خود جلوه حقیقی دنیا و زندگی را نشان دهد و به او تذکر دهد که باید از عمر

زبان و ادبیات هر ملت جلوه‌گاه اندیشه، فرهنگ، تجارب و روحیات آن ملت است. آدمی از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف و اندیشه‌های خود بهره برده و از ادبیات که جلوه برتر زبان است به‌عنوان ابزاری در انتقال بهتر و مؤثرتر اندیشه‌های خود استفاده کرده است. ادبیات، در تلطیف احساسات، شکوفایی ذوق و ماندگاری ارزش‌ها و آرمان‌ها و اندیشه‌ها سهم عمده‌ای بر دوش دارد. به همین دلیل رشته ادبیات در آموزش و پرورش از اهمیت بسیاری برخوردار است و آموزش و یادگیری بهینه این رشته رسالتی ویژه بر دوش دبیران و دانش‌آموزان نهاده است. یکی از شیوه‌های جذاب و تأثیرگذار در آموزش



به‌خوبی استفاده کند.

در آستانه هشتادمین سالروز درگذشت این بزرگ‌بانوی پند و اندرز، در این نوشتار نام و یادش را ارج می‌نهمیم و با نگاهی گذرا به جایگاه پند در ادبیات فارسی اندرزهای اخلاقی و پنندهای تربیتی دیوان پروین اعتصامی را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

جایگاه و اهمیت پندآموزی

توجه به مقوله پند و اندرز در ایران به دوره قبل از اسلام و قدیمی‌ترین نوشته‌های به جا مانده از آن دوران می‌رسد. اندرزها در ایران از دیرباز با استقبال روبه‌رو بوده که دلیل آن را می‌توان تعداد زیاد آثار اندرزی و تعلیمی در ادبیات پهلوی و پیش از اسلام دانست. اما باید اذعان کرد که دوران پادشاهی ساسانیان و به‌ویژه دوره سلطنت خسرو انوشیروان، دوره اوج و اعتلای اندرزنامه‌نویسی در ایران است. در آن دوره شاه، وزیر، موبد و... همه به اندرزگویی می‌پرداختند. این امر چنان اهمیت یافت که حتی در دل صخره‌ها، در حاشیه فرش‌ها و در میان نقش و نگار ظروف نیز به نوشتن سخنان نغز و پند و اندرزها می‌پرداختند. از مهم‌ترین اندرزهای به جا مانده از زبان پهلوی می‌توان به اندرز اوشنر دانا، اندرز آذرباد مارسپندان، پندنامه بزرگمهر و کتاب جاویدان خرد اشاره کرد (محمدی ملایری: ۱۳۸۴).

در فرهنگ‌های لغت برای واژه اندرز معانی و مترادف‌های مختلفی نظیر نصیحت، پند، موعظه، وعظ، عظه، نصح، تذکیر، ذکری و... آمده است (دهخدا: ۱۳۷۷).

پندآموزی در دیوان پروین

دیوان پروین شامل ۵۶۰۶ بیت در قالب ۲۰۹ قصیده، قطعه، غزل، مثنوی و نیز پنج قطعه کوتاه دو سه بیتی و یازده تک‌بیتی است و در آن جز چند غزل دیده نمی‌شود، البته چنان که در لغت‌نامه دهخدا آمده، دیوان پروین مشتمل بر همه اشعار او نیست، چرا که وی چند سال پیش از مرگ خود، یک قسمت از اشعارش را که مطلوب طبعش نبوده سوزانده است. بی‌تردید، مهم‌ترین امتیاز پروین، زبان سلیس، روان و فصیح اوست و این از چیرگی او بر زبان فارسی حکایت می‌کند. در عین حال شاید بتوان گفت که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بودن شعر پروین، احتمالاً وجه پندآموزی و عاطفی آن است. تأثیر عاطفه در این شعرها به اندازه‌ای است که گاه مستقیم‌گویی‌هایی شاعر را نیز برمی‌گیرد. روح

لطیف و حساس پروین در مسائل عاطفی، مانند مادر، کودک، یتیم، مظلوم... اوج می‌گیرد و به‌طور برجسته‌ای خود را نشان می‌دهد. او به‌گونه‌ای از عمق جان و کنه عواطف و احساسات بشردوستانه خود سخن می‌گوید که نظیر آن‌ها را در کمتر دیوانی به این کثرت و یکدستی می‌توان پیدا نمود.

ویژگی‌های اشعار پروین

شعرهای پروین، اولاً «تعلیمی» است، نه غنایی و تغزلی؛ و ثانیاً در تقسیم‌بندی شعر به نو و کهن، پروین را باید در میان کهن‌سرایان گنجانند. ملک‌الشعراى بهار سبک شعری پروین را مستقل و چیده شده از دو سبک خراسانی، در قصاد، و عراقی، در قطعات و مناظرات، می‌داند. واژگان شعری پروین گرانمایه و بزرگ است و در آن از لغت‌های فرسوده و اصطلاح‌های فراموش‌شده و یا از بعضی لغت‌های فرنگی که بر اثر دگرگونی‌های اجتماعی و پیشرفت و نوآوری دوران، وارد زبان فارسی خبری نیست. در دیوان او بیش از هفتاد شعر در قالب مناظره آمده است؛ مناظره‌هایی که نه فقط میان آدمیان و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع چیزها مانند سوزن و نخ، سیر و پیاز، و حیوانات مثل سگ و گرگ، یا انسان و جانور مثل سلیمان و مور و... نیز شکل می‌گیرد. ملک‌الشعراى بهار پروین را زنده‌کننده مناظره در شعر فارسی دانسته و شعر او را با وجود استواری و متانت در لفظ و معنا، روان و آسان فهم می‌داند.

ترویج اخلاق و ادب

از دیگر ویژگی اشعار پروین، آن است که ثمره تفکرات خود را درباره انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و نکته‌های اخلاقی و اجتماعی، با مهارت به قلم آورده است. به تعبیر پدر سخن‌شناس او، یوسف اعتصام‌الملک، «شعر پروین، شعر اوقات و احوال و اشخاص نیست، بلکه شعر تربیت و تهذیب و همگانی کردن اخلاق در جامعه است و به خواننده مهر و عاطفه، کسب فضیلت و بهره‌گیری از عمر و سعی و عمل را می‌آموزد.»

رعایت ایجاز

در تمام اشعار و سروده‌های این نادره دوران، حتی یک شعر حشو و زائد یا سطحی و غیرجدی، که معمولاً شاعران گرفتار آن می‌گردند، وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که سراینده آن‌ها در مقام یک حکیم فرزانه، یا مربی عرفانی و اخلاقی، در مقام ارشاد و هدایت اندیشه‌ها گام برمی‌دارد؛ لذا کوچک‌ترین کلمه یا حرف زائد یا سخن باطلی در طول تمام

اشعار و سروده‌های او وجود ندارد، در حالی که این امر در اشعار و سروده‌های دیگر شاعران کمابیش دیده می‌شود.

بهره‌گیری از آیات قرآن

یکی از خصوصیات بارز اشعار و سروده‌های پروین، بهره‌ور بودن آن‌ها از آیات کریمه و نورانی قرآنی است که بر حشمت و شکوه سروده‌های او دوجندان افزوده است و او را در جوانی در ردیف «شاعر شاعران» عصر خویش قرار داده است. این لقبی است که علامه محمد قزوینی با آن پروین را ستوده است. این بهره‌وری در جای جای دیوان او منعکس و جلوه‌گر است.

اگر دیوان پروین را دیوان دوران‌ها گفته‌اند، به‌طوری که در نیم‌قرن اخیر بیش از ۵۰ بار به چاپ و طبع رسیده است، یقیناً به برکت همین استفاده‌ها و استنادها می‌باشد. چون هر چیزی که بارقه‌ای از آن نور و ضیاء الهی بر آن تابیده باشد، آن را نیز جاودانی و همیشگی و تاریخی و ابدی خواهد ساخت.

ابیاتی از اشعار پندآموز در دیوان پروین

این دشت، خوابگاه شهیدانست
فرست شمار وقت تماشا را
از عمر رفته نیز شماری کن
مشمار جدی و عقرب و جوزا را

او در قصیده‌ای دنیا را دشتی می‌داند که انبوهی از شهیدان در آن خفته‌اند، لذا باید وقت حضور را در این خوابگاه غنیمت شمرد، ضمن اینکه نباید عمر را به بیهودگی تلف کرد. پروین دنیا و زندگی در آن را ناپایدار و گذران می‌خواند و هشدار می‌دهد که مبادا خانه بر آب بسازیم و عمر گران را ارزان از دست بدهیم:

به رود اندرون خانه عاقل نسازد
که ویران کند سیل آن خانمان را
چه آسان به دامت درافکند گیتی
چه ارزان گرفت از تو عمر گران را

از شاعر پند و موعظه، پروین اعتصامی، درباره کیمیگری صبر و گران‌بهایی آن، داستانی نمادین با عنوان «گوهر و سنگ» برجاست که در آن، رمز و راز گوهر شدن سنگ و صبر و استواری آن در برابر مشکلات و سختی‌های روزگار معرفی شده است. در این حکایت، سنگ از گوهر، رمز و راز ناب شدن و تابناک گشتن او را می‌پرسد و گوهر چنین پاسخ می‌دهد:



در تمام اشعار و سروده‌های این نادره دوران، حتی یک شعر حشو و زائد یا سطحی و غیر جدی، که معمولاً شاعران گرفتار آن می‌گردند، وجود ندارد

پروین در واقع به ما اندرز می‌دهد که فرصت طلایی جوانی را دریابیم و از لحظه لحظه این بهار و طراوت دوران جوانی بهره بگیریم و حتی لحظه‌ای از آن را به بیهودگی سپری نکنیم. در دیوان پروین، تعلیم و تربیت و خاصه تربیت دختران و آموزش مادران، جایگاهی والا و منزلتی رفیع دارد. افزون بر آن وی اوضاع گذشته را با شرایط حاکم بر زنان زمان خود مقایسه می‌کند و به تصویر تحولات مطلوب و لزوم جبران کاستی‌های گذشته می‌پردازد و آراستگی به دانایی و آگاهی را از مهم‌ترین عوامل بهبود وضع اجتماعی و تأمین حقوق انسانی زنان می‌شمارد. (دامادی: ۱۳۸۴)

پروین با ظرافتی ویژه زنان ایرانی را چنین خطاب می‌کند:

غنچه‌ای زین شاخه ما را زیب دست و دامن است
همتی ای خواهران تا فرصت کوشیدن است
پستی نسوان ایران جمله از بی‌دانشی است
مرد یا زن، برتری و مرتبت، دانستن است

سخن آخر

دیوان پروین اعتصامی با توجه به مفاهیم معنوی و بیان حقایق الهی و دارا بودن ویژگی پند و اندرز و توصیه به خردمندی و نکوهش کبر، غرور، نخوت و ظلم و نفرت از فقر، تبعیض و همدردی با مظلومان، بینوایان و رنج‌دیدگان، و صدها نکته اخلاقی و تربیتی از امتیازی خاص در بین مردم و اهل ادب برخوردار است، لذا تأثیرپذیری دانش‌آموزان از مطالب اخلاقی و اندرزی از مهم‌ترین نکات شایان توجه است که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را به تأمل بیشتر در این خصوص دعوت می‌کند. استفاده از اشعار پندآمیز پروین در متون آموزشی، ضمن اینکه شیرینی و صمیمیت خاصی به کلاس می‌بخشد ما را به اهداف تربیتی و اخلاقی در جامعه نزدیک‌تر می‌کند.

* منابع

۱. بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، مدخل «پندنامه»، شماره ۲۸۴۶، ج ۱.
۲. طاهری، سیدمحمود؛ اخلاق در ادب فارسی (تجلی اخلاق و تربیت در دیوان پروین اعتصامی) مجله طوبی: آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۵.
۳. دامادی، سیدمحمد؛ سیمای زن در شعر مشهورترین شاعران معاصر (مقاله)، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نوزدهم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۷.
۵. اعتصامی، پروین؛ دیوان پروین اعتصامی، نشر حافظ، تهران: ۱۳۶۳.
۶. اعتصامی، پروین؛ دیوان اشعار، چاپ هفتم، نشر ابوالفتح اعتصامی، تهران: ۱۳۵۶.
۷. محمدی‌ملایری، محمد؛ فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، ج ۱، تهران: ۱۳۷۴.

از آن رو، چهره‌ام را سرخ شد رنگ
که بس خونابه خوردم در دل سنگ
از آن معنی مرا گرم است بازار
که دیدم گرمی خورشید بسیار
از آن ره، بخت با من کرد یاری
که در سختی نمودم استواری

گوهر از کشاکش دهر و دشواری راه می‌گوید و از سیل و برف و دگرگونی ماه و سال سخن به میان می‌آورد و اینکه هیچ‌یک از این سختی‌ها نتوانسته است او را از دایره صبر و بردباری بیرون کند. سپس می‌گوید:

نه تاب و ارزش من رایگانی است
سزای رنج قرنی زندگانی است
بگو این نکته با گوهر فروشان
که خون خورد و گهر شد سنگ در کان

پروین، شاعر فضیلت و تقوا و وارستگی است. از دیدگاه او، جهان جایگاه غفلت، لذت‌جویی و هدر دادن عمر نیست. تلاش آدمی باید برای عروج از عالم خاکی به عالم بالا و رسیدن به ملکات انسانی باشد. همه چیز در جهان هستی حسابی دقیق دارد و همه کائنات مطیع امر پروردگارند. در شعر او عشق فردی دیده نمی‌شود. بلکه عشق در همه موجودات هستی جریان دارد. در شعر او مناظره میان جانوران، اشیا و دیگر پدیده‌ها، همه به نتیجه‌ای عبرت‌آموز و اخلاقی و حکیمانه می‌رسد.

پروین اعتصامی درباره پرهیز از امروز و فردا کردن و دریافتن زمان حال، حکایتی نغز و شیرین به نظم دارد که شنیدنی است:

بلبل آهسته به گل گفت شبی
که مرا از تو تمنایی هست
من به پیوند تو یک‌رأی شدم
گر تو را نیز چنین رایبی هست
گفت: فردا به گلستان باز آی
تا ببینی چه تماشایی هست
پا به هر جا که نهی برگ گلی است
همه‌جا شاهد رعنائی هست
باغبانان همگی بیدارند
چمن و جوی مصفایی هست
گفت: رازی که نهان است ببین!
اگر تو دیده بینایی هست
هم از امروز سخن باید گفت
که خبر داشت که فردایی هست؟